



مولوی، دیوان شمس، شماره ۱۱۶

ای سخت گرفته جادوی را
شیری بنموده آهوی را

از سحر تو احوست دیده
در دیده نهادهای دوی را

بنموده‌ای از ترنج آلو
کی یافت ترنج آلوی را

سحر تو نمود بره را گرگ
بنموده ز گندمی جوی را

منشور بقا نموده سحرت
طومار خیال منطوی را

پر باد هدایتست ریشش
از سحر تو جاهل غوی را

سوفسطاییم کرد سحر
ای ترک نموده هندوی را

چون پشه نموده وقت پیکار
پیلان تهمتن قوی را

تا جنگ کنند و راست آرند
تقدیر و قضای مستوی را

سوفسطایی مشو خمش کن
بگشای زبان معنوی را